

اصول کافی

تألیف
شعاع الاسلام محمد بن یعقوب کلینی رازی
(رضوان الله علیه)

جلد چهارم

تحقیق، ترجمه و توضیح:

حسین استاد ولی

سرشناسه: استاد ولی، حسین، ۱۳۳۱
عنوان و پدیدآور: اصول کافی، تألیف ثقة الاسلام کلینی
با تحقیق، ترجمه و تصحیح حسین استاد ولی.
مشخصات نشر: تهران: دارالثقلین، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۵ جلد.

شابک جلد چهارم: 978 - 964 - 8151 - 40 - 4

شابک دوره پنج جلدی: 978 - 964 - 8151 - 36 - 7

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
یادداشت: کتاب حاضر ترجمه «اصول کافی» کلینی است.
موضوع: کلینی، محمد بن یعقوب - ۳۲۹ ق. الکافی. اصول،
تحقیق، ترجمه و توضیح.
موضوع: احادیث شیعه، قرن ۴ ق.
شناسه افزوده: کلینی، محمد بن یعقوب - ۳۲۹ ق. الکافی.
اصول، ترجمه.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۹ ۲۲۰۴۲۲۲ ک ۸ ک / ۱۲۹ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۹۵۳۸۵

این کتاب با حمایت و مشارکت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است.

شابک ۲-۳۰-۹۶۴-۸۱۵۱-۴۰-۴ ISBN 978 - 964 - 8151 - 40 - 4

اصول کافی

مؤلف: ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی

مترجم: حسین استاد ولی

ناشر: دارالثقلین

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

چاپ: نکین

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان شهدای واندامری شرقی، پلاک ۵۸

تلفن ۸-۶۶۴۸۴۱۷۶ - تلفکس ۶۶۴۸۴۱۷۵ - همراه ۰۹۱۲۳۲۰۲۳۱۴

قیمت دوره پنج جلدی ۷۰۰۰۰ تومان

فهرست

۹	کتاب ایمان و کفر
۱۳	باب ۱: طینت مؤمن و کافر
۲۱	باب ۲: تتمه‌ای است درباره موضوع گذشته و در آن سخن از وقوع اولین تکلیف است
۲۵	باب ۳: تفصیل بیشتری در موضوع گذشته (عالم دوز)
۳۲	باب ۴: رسول خدا ﷺ نخستین کسی بود که پاسخ گفت و به ربوبیت خدای بزرگ اقرار کرد
۳۶	باب ۵: چگونه پاسخ دادند در حالی که دوز بودند؟
۳۶	باب ۶: آفرینش آفریدگان بر فطرت توحید
۳۹	باب ۷: بودن مؤمن در صلب کافر
۴۰	باب ۸: طرح خدای بزرگ هرگاه بخواهد مؤمن را بیافریند
۴۰	باب ۹: مراد از رنگ خدا (که در قرآن ذکر شده) اسلام است
۴۲	باب ۱۰: مراد از سکینه و آرامش (که در قرآن ذکر شده) ایمان است
۴۳	باب ۱۱: اخلاص
۴۷	باب ۱۲: شریعت‌ها و آیین‌های الهی
۵۰	باب ۱۳: پایه‌های اسلام
۶۴	باب ۱۴: اسلام سبب حفظ خون و ادای امانت است و پاداش بر اساس ایمان است
۶۶	باب ۱۵: ایمان شامل اسلام است ولی اسلام شامل ایمان نیست
۷۲	باب ۱۶: در همین زمینه، و این که اسلام قبل از ایمان است
۷۵	باب ۱۷: (توضیح بیشتری درباره موضوع گذشته)

باب ۱۸: ایمان در همه اعضا و جوارح بدن پخش است	۹۱
باب ۱۹: پیشی گرفتن به ایمان	۱۰۸
باب ۲۰: درجات ایمان	۱۱۳
باب ۲۱: درباره موضوع گذشته	۱۱۷
باب ۲۲: معرفی اسلام	۱۲۱
باب ۲۳: خصال مؤمن	۱۲۳
باب ۲۴: در فضایل اسلام و مقررات آن	۱۲۸
باب ۲۵: وصف ایمان	۱۳۱
باب ۲۶: برتری ایمان بر اسلام، و یقین بر ایمان	۱۳۳
باب ۲۷: حقیقت ایمان و یقین	۱۳۶
باب ۲۸: تفکر	۱۳۹
باب ۲۹: مکارم اخلاق	۱۴۱
باب ۳۰: فضیلت یقین	۱۴۴
باب ۳۱: خشنودی از قضا و قدر خداوند	۱۵۰
باب ۳۲: واگذاری امور به خدا و توکل بر او	۱۵۶
باب ۳۳: خوف و رجا (بیم و امید)	۱۶۴
باب ۳۴: خوش گمانی به خدای بزرگ	۱۷۱
باب ۳۵: اعتراف به تقصیر	۱۷۴
باب ۳۶: طاعت و تقوا	۱۷۵
باب ۳۷: وزع	۱۸۱
باب ۳۸: عفت	۱۸۶
باب ۳۹: پرهیز از گناهان	۱۸۸
باب ۴۰: انجام واجبات	۱۹۰
باب ۴۱: استواری عمل و مداومت بر آن	۱۹۲
باب ۴۲: عبادت	۱۹۴
باب ۴۳: نیت	۱۹۷

باب ۴۴: نشاط و سستی در عبادت	۱۹۹
باب ۴۵: میانه‌روی در عبادت	۲۰۰
باب ۴۶: کسی که عملی را به خاطر پاداشی که به گوش او رسیده انجام دهد	۲۰۲
باب ۴۷: صبر	۲۰۳
باب ۴۸: شکر	۲۱۶
باب ۴۹: حُسن خلق	۲۲۸
باب ۵۰: خوشرویی	۲۳۴
باب ۵۱: راستگویی و امانتداری	۲۳۶
باب ۵۲: شرم و حیا	۲۴۰
باب ۵۳: عفو و گذشت	۲۴۲
باب ۵۴: فروبردن خشم	۲۴۵
باب ۵۵: حلم و بردباری	۲۵۰
باب ۵۶: خاموشی و حفظ زبان	۲۵۳
باب ۵۷: مدارا و سازگاری	۲۵۹
باب ۵۸: نرم‌خویی	۲۶۱
باب ۵۹: تواضع و فروتنی	۲۶۶
باب ۶۰: دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا	۲۷۳
باب ۶۱: نکوهش دنیا و ستایش زهد در آن	۲۸۰
باب ۶۲: (در رابطه با باب گذشته)	۲۹۸
باب ۶۳: قناعت	۲۹۹
باب ۶۴: کُفاف	۳۰۴
باب ۶۵: تعجیل در کار خیر	۳۰۷
باب ۶۶: انصاف و عدل	۳۱۱
باب ۶۷: بی‌نیازی از مردم	۳۱۸
باب ۶۸: صلۀ رِجَم	۳۳۱
باب ۶۹: نیکی به پدر و مادر	۳۳۵

- باب ۷۰: اهتمام به امور مسلمانان و خیرخواهی و سودرساندن به آنان ۳۴۷
- باب ۷۱: احترام سالخوردهگان ۳۵۰
- باب ۷۲: برادری مؤمنان با یکدیگر ۳۵۰
- باب ۷۳: آنچه موجب حق می‌شود برای کسی که مدعی ایمان یا ناقض آن است ۳۵۵
- باب ۷۴: در این‌که برادری بر پایهٔ دین واقع نشده، بلکه تنها شناسایی یکدیگر است ۳۵۷
- باب ۷۵: حق مؤمن بر برادرش و ادای حق او ۳۵۷
- باب ۷۶: مهرورزی و عطف با یکدیگر ۳۷۰
- باب ۷۷: دیدار برادران دینی ۳۷۱
- باب ۷۸: مصافحه (دست‌دادن) ۳۷۸
- باب ۷۹: معانقه (در آغوش کشیدن یکدیگر) ۳۸۸
- باب ۸۰: بوسیدن ۳۹۰
- باب ۸۱: گفتگوی برادران دینی ۳۹۲
- باب ۸۲: شادکردن مؤمنان ۳۹۶
- باب ۸۳: برآوردن حاجت مؤمن ۴۰۵
- باب ۸۴: سعی در برآوردن حاجت مؤمن ۴۱۳
- باب ۸۵: برطرف‌کردن گرفتاری مؤمن ۴۱۸
- باب ۸۶: اطعام مؤمن ۴۲۰
- باب ۸۷: کسی که مؤمنی را ببوشاند ۴۲۷
- باب ۸۸: مهربانی و احترام به مؤمن ۴۲۹
- باب ۸۹: خدمت به مؤمن ۴۳۳
- باب ۹۰: خیرخواهی برای مؤمن ۴۳۳
- باب ۹۱: اصلاح میان مردم ۴۳۵
- باب ۹۲: زنده کردن مؤمن ۴۳۷
- باب ۹۳: دعوت خانواده به ایمان ۴۳۹
- باب ۹۴: ترک دعوت مردم ۴۴۰
- باب ۹۵: خداوند دین را به کسی می‌دهد که او را دوست دارد ۴۴۴

۴۴۵	باب ۹۶: سلامت دین
۴۴۷	باب ۹۷: تقیه
۴۵۷	باب ۹۸: رازیوشی
۴۶۷	باب ۹۹: نشانه‌ها و صفات مؤمن
۴۹۵	باب ۱۰۰: کم‌بودن شمار مؤمنان
۴۹۹	باب ۱۰۱: رضایت به موهبت ایمان و پس از آن صبر بر همه چیز
۵۰۲	باب ۱۰۲: آرامش یافتن مؤمن به مؤمن
۵۰۲	باب ۱۰۳: آنچه خداوند به سبب مؤمن دور می‌سازد
۵۰۳	باب ۱۰۴: مؤمنان دو گونه‌اند
۵۰۶	باب ۱۰۵: پیمان صبری که خداوند از مؤمن گرفته نسبت به مشکلاتی که به او می‌رسد
۵۱۰	باب ۱۰۶: شدت بلا و گرفتاری مؤمن
۵۲۲	باب ۱۰۷: فضیلت فقرای مسلمین
۵۳۲	باب ۱۰۸: فقر پسندیده و فقر ناپسند
۵۳۳	باب ۱۰۹: دل‌دارای دو گوش است که فرشته و شیطان در آنها می‌دمند
۵۳۴	باب ۱۱۰: روحی که مؤمن به وسیله آن یاری می‌شود
۵۳۵	باب ۱۱۱: گناهان (و آثار آنها)
۵۴۷	باب ۱۱۲: گناهان بزرگ
۵۶۸	باب ۱۱۳: کوچک شمردن گناه
۵۷۰	باب ۱۱۴: اصرار بر گناه
۵۷۱	باب ۱۱۵: ریشه‌ها و پایه‌های کفر
۵۷۷	باب ۱۱۶: ریا
۵۸۴	باب ۱۱۷: ریاست‌طلبی
۵۸۶	باب ۱۱۸: دین را دام دنیا ساختن
۵۸۷	باب ۱۱۹: کسی که از عدالتی دم زند و خلاف آن عمل کند
۵۸۹	باب ۱۲۰: جدال و ستیزه و دشمنی با اشخاص
۵۹۲	باب ۱۲۱: خشم

باب ۱۲۲: حسد		۵۹۷
باب ۱۲۳: تعصب		۶۰۰
باب ۱۲۴: تکبر		۶۰۲
باب ۱۲۵: عجب (خودبینی)		۶۰۹

www.ketab.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ - باب طینتِ المؤمن و الکافر

طینتِ مؤمن و کافر^۱

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى، عَنْ رِئِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ النَّبِيِّنَ مِنْ طِينَةِ عَلِيِّ بْنِ

۱. طینت به معنای گِل است، یعنی خمیرمایه و سرشتی که آدمی را آن آفریده شده است. و اخبار این باب به برخی از عواملی که در سعادت یا شقاوت انسان دخیل است از جمله طینت، اشاره دارد و از مشکلات اخبار است، زیرا ظاهر آنها یا بوی جبر می دهد یا دلالت بر قصاص قبل از جنایت دارد. ولی باید دانست همان طور که روانشناسان دو عامل مهم وراثت (که امروزه عامل ژنتیکی می گویند) و تربیت (یعنی عامل محیطی چون خانه و مدرسه و اجتماع) را در سازندگی شخصیت انسان بسیار مؤثر می دانند، این روایات به عامل دیگری اشاره دارد و آن عامل طینت یا سرشت آدمی است. زیرا شکی نیست که نطفه انسان برآمده از مواد خاکی است و استفاده از خوراکی های مختلف از جاهای مختلف در ساختمان نطفه مؤثر است و از این رو فراوان اتفاق می افتد که یک شخص دارای فرزندی چند با صفات و روحیات گوناگون می شود. بنابر این، جاذبه ها و تأثیرات این عوامل قابل انکار نیست.

اما باید دانست که تأثیر این عوامل اعم از وراثت و تربیت و طینت، تأثیر قطعی و صددرصدی نیست و راه اختیار و انتخاب را به روی آدمی نمی بندد، لذا دیده می شود از انسان مؤمن انسان کافر و بالعکس به دنیا می آید، و از یک محیط فاسد و نامساعد انسان مؤمن سر بر می آورد. پس آنچه در این روایات آمده که خلوند طینت مؤمن را از بهشت و طینت کافر را از دوزخ آفرید اشاره به این است که سرشت و طینت آدمی در سعادت و شقاوت او مؤثر است اما نه به صورت قطعی و برگشت ناپذیر، بلکه می توان با کوشش و الهام از تعالیم الهی پیامبران، سعادت و شقاوت خود را رقم زد همان گونه که می توان آثار وراثت و محیط تربیتی را تغییر داد. و نیز شایان ذکر است کسانی که عوامل منفی و انحرافی در آنان بیشتر است اگر با آنها مبارزه کرده و به راه حق بروند پاداش بیشتری داشته، و اگر منحرف بمانند از کسی که عوامل مثبت در او بوده و به انحراف رفته است عقاب کمتری خواهند داشت.

قُلُوبَهُمْ وَ أَبْدَانَهُمْ، وَ خَلَقَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ تِلْكَ الطِّينَةِ، وَ جَعَلَ خَلْقَ أَبْدَانِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ. وَ خَلَقَ الْكَافَرِينَ مِنْ طِينَةِ سَجِّينِ قُلُوبَهُمْ وَ أَبْدَانَهُمْ، فَخَلَطَ بَيْنَ الطِّينَتَيْنِ، فَمِنْ هَذَا يَلِدُ الْمُؤْمِنُ الْكَافِرَ، وَ يَلِدُ الْكَافِرُ الْمُؤْمِنَ. وَ مِنْ هَهُنَا يُصِيبُ الْمُؤْمِنُ السَّيِّئَةَ، وَ مِنْ هَهُنَا يُصِيبُ الْكَافِرُ الْحَسَنَةَ. فَقُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ تَحْنُ إِلَى مَا خُلِقُوا مِنْهُ، وَ قُلُوبُ الْكَافِرِينَ تَحْنُ إِلَى مَا خُلِقُوا مِنْهُ.

۱- امام سجاد علیه السلام فرمود: خدای بزرگ قلوب و ابدان پیامبران را از طینت علّیین (یعنی شریف‌ترین و برترین طینت‌ها) آفرید^۱ و قلوب مؤمنان را از همان طینت و بدن‌های آنان را از طینتی فروتر از آن آفرید و قلوب و ابدان کافران را هم از طینت سَجِّین (یعنی پست‌ترین طینت‌ها) آفرید، سپس آن دو طینت را به هم درآمیخت، از این رو مؤمن فرزند کافر می‌آورد و کافر، فرزند مؤمن. و به همین جهت است که گاه مؤمن گناه می‌کند و کافر کار نیک انجام می‌دهد. پس دل‌های مؤمنان به آنچه از آن آفریده شده‌اند گرایش دارد، و دل‌های کافران نیز به آنچه از آن آفریده شده‌اند گرایش دارد.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیٰی، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُعَيْبٍ، عَنْ عَبْدِ الْقَهَّارِ الْجَازِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْمُؤْمِنَ مِنْ طِينَةِ الْجَنَّةِ، وَ خَلَقَ الْكَافِرَ مِنْ طِينَةِ النَّارِ. وَ قَالَ: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِعَبْدٍ خَيْرًا طَيَّبَ رُوحَهُ وَ جَسَدَهُ، فَلَا يَسْمَعُ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا عَرَفَهُ، وَ لَا يَسْمَعُ شَيْئًا مِنَ الشَّرِّ إِلَّا أَنْكَرَهُ.

قَالَ: وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: الطِّينَاتُ ثَلَاثُ: طِينَةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ الْمُؤْمِنِ مِنْ تِلْكَ الطِّينَةِ إِلَّا أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ هُمْ مِنْ صَفْوَتِهَا، هُمْ الْأَاضِلُ وَ لَهُمْ فَضْلُهُمْ، وَ الْمُؤْمِنُونَ الْفَرَعُ مِنَ طِينِ لَازِبٍ، كَذَلِكَ لَا يَفْرُقُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ شِعَتِهِمْ. وَ قَالَ: طِينَةُ

۱. در برخی روایات وارد است که خداوند ارواح آنان را از چیزی بالاتر از طینت علّیین آفرید. بنابراین، ممکن است منظور این باشد که طینت علّیین دارای درجات است، بدن آنان از درجه‌ای و روح آنان از درجه‌ای دیگر آفریده شده است.